نگاهی اجمالی به اسناد و نامه های امیرکبیر

آل داود، سید علی

اسناد و مدارک اصیل‏ترین ماخذ تاریخ هر دوره‏اند،متون‏و پژوهش‏های تاریخی در صورتی مقبول و مورد تایید محققان و مورخان دقیق قرار می‏گیرند که بر مبنای اسناد معتبر تدارک شده و به تفسیر اسناد مذکور پرداخته باشند.طبعا برای بررسی و مطالعه‏ی‏ یک شخصیت تاریخی‏یا تاریخ دوره‏های معیّن از جوامع بشری، نخست بایداسناد آن دوره را تحت مطالعه قرار داد.برای این کار ابتدا ضروری‏ست که اسناد دوره ی مذکور شناسایی،گردآوری و به‏ چاپ رسانده شود،سپس اطلاعات مندرج در،ن‏ها را با داده‏های‏ سایر منابع سنجید،کار محقق دقیق اساسا آن است پژوهش خود را با سنجش اسناد ومنابع مکتوب دیگر به دست آورد.

در ایران هم‏چون برخی کشورها بنا به دلایل سیاسی و اجتماعی،هیچ‏گاه بایگانی‏ها یا مراکز حفظ اسناد وجود نداشته و اگر داشته در دسترس همگان نبوده است.اصولا چنین نهادهایی در ایران سابقه‏ی دیرینه ندارد.شاید تغییر مکرر پایتخت کشور و تهاجم‏ اقوام گوناگون ایجاد آرشیو ثابت را غیرممکن ساخته بوده است.در این‏جا هر چه به دوران پیشین بازمی‏گردیم از میزان اسناد موجود کاسته می‏شود.اما آن‏چه به نام مکتوبات،منشات و نامه‏ها باقی‏ مانده و بیش‏تر به قلم دبیران سلاطین و حکام محلی نگارش یافته، هر چند در اثر کتابت‏های مکرر،تحریفات و تغییراتی در آن راه‏ یافته،لیکن هنوز می‏توان به عنوان ماخذی اساسی از آن‏ها بهره برد و مندرجات آن‏ها را همراه با سنجش با منابع دیگر به سود تاریخ‏ مورد استفاده قرار داد.

بیش تر اسناد باقی مانده در ایران مربوط به عصر تیموریان تا دوران معاصر است.به خصوص از عصر صفویه مدارک ارزنده‏ی‏ بی شمار و معتبر بر جای مانده است و چند مجلّد آن‏ها به اهتمام استاد فقید دکتر عبد الحسین نوائی گردآوری و به چاپ رسیده است،اما مع‏الاسف از محتوای این اسناد برای بازنگاری تاریخ صفویان‏ استفاده‏ی منظم نشده است.

اسناد مربوط به عصر قاجار از کثرت فراوان برخوردار است و بسیاری از آن‏ها ضمن مقالات یا کتاب‏ها یا در آثاری مستقل به طور جداگانه جمع‏آوری و به چاپ رسیده،اما هنوز هم بیش‏تر آن‏ها پزاکنده و به مرحله‏یگردآوری و چاپ و انتشار نرسیده است.از جمله‏ در مورد شخص میرزا تقی خان امیر کبیر،مدارک پرشماری در دست‏ است که تعدادی از آن‏ها هم در اختیار پژوهشگران قرار نگرفته است.

همگان آگاهی دارند که درباره‏ی این شخصیت معتبر عصر قاجار که از بنیان گزاران ایران نو به شمار می‏رود،چند کتاب به چاپ‏ رسیده،اما به جز یکی دو عنوان،در بقیه از اسناد موجود استفاده‏ نشده است.

اسناد،نامه‏ها و مدارک موجود از امیر کبیر را می‏توان در ردیف‏های زیر جای داد:

1-نامه‏های امیر کبیر خطاب به ناصر الدین شاه

2-پاسخ‏های ناصر الدین شاه به مکتوبات امیر.[بیش‏تر اسناد مربوط به این دو بخش در کتاب خانه مجلس نگهداری میشود.]

3-اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و مدارک متفرقه در گنجینه‏ی کتابخانه‏ها و مجموعه‏های دولتی.

4-اسناد وزارت خارجه‏ی ایران.

5-اسناد موجود در وزارت خارجه‏ی انگلیس،روسیه و آرشیو عثمانی در استانبول.

6-داستان‏های تاریخی و افسانه‏های ذایج درباره‏ی امیر کبیر. این افسانه ها در افواه مردمان آن‏عصر رایج بوده و سپس به منابع‏ مکتوب وارد شده،برخی از آن‏ها برگرفته از شایعات مردمی‏ست اما بهره‏یی از حقیقت در این افسانه‏ها دیده می‏شود.

اینک در باب هر یک از این قسمت‏ها به اختصار توضیحی ارائه‏ می‏شود:

1-اسناد وزارت خارجه‏ی ایران

در آرشیو وزارت خارجه به اسناد و مدارک متعددی از امیر کبیر در دست است.اما متاسفانه تا کنون فهرست این مدارک به شیوه‏ی‏ علمی و دقیق منتشر نشده است،در پاره‏یی مجموعه‏های اسناد این‏ وزارت‏خانه که در سال‏های اخیر نشر یافته،متن حروفی برخی از این اسناد به چاپ رسیده،اما دقیق نیست و اشتباهات و بدخوانی‏ها فراوان در آن دیده می‏شود و ضرورت دارد اصل آن‏ها با دیگر به صورت عکس انتشار یابد تا محققان بتواند بر محتوای دقیق‏ آن‏ها دسترسی پیدا کنند.

چند دهه‏ی پیش از این،تعدادی از اسناد وزارت خارجه،در دسترس عباس اقبال آشتیانی که پژوهش تازه‏یی را در باب امیر کبیر شروع کرده بود،قرار گرفت.اقبال در دوران وزارت علی اصغر حکمت فرصت یافت،برخی اسناد را وارسی و برای خود رونوشت‏ بردارد.مجموعه‏ی گردآورده‏های او در چند کتابچه جای گرفته که‏ هم اکنون اصل خطوط اقبال در کتابخانه‏ی مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‏شود.این اسناد بیش‏تر شامل مکاتبات امیر در دوران‏ صدارت او به سفرای کشورهای روسیه،انگلیس و عثمانی‏ست و گاه‏ پاسخ سفرای مذکور نیز در کنار نامه‏ها استنساخ شده است.

اقبال چنان‏که می‏دانیم قصد داشت کتاب تحقیقی معتبری راجع‏ به امیر کبیر تألیف کند.همراه و همکار او در این کار شادروان دکتر قاسم غنی بود.مقدمات کار تالیف فراهم شده بود،اسناد موجود در وزارت خارجه را اقبال بررسی و رونویسی کرد و دکتر غنی از نامه‏های موجود امیر کبیر در کتابخانه‏ی مجلس دفتری به خط خود پرداخت.اما پژوهش با سفر غنی به امریکا و مرگ اوو و سفر اقبال‏ به ایتالیا ناتمام باقی ماند.اما برخی مقالات اقبال در مجله‏ی یادگار به طبع رسید،دفاتر برجای مانده همه به کتابخانه مرکزی دانشگاه‏ انتقال یافته و اکنون در تملک آن سازمان است.

محقق دیگری که اسناد وزارت خارجه‏ی ایران را ملاحضه و از آن‏ها بهره‏برداری کرده،دکتر فریدون آدمیت است که خود عضو آن‏ وزارت‏خانه‏ی بوده،او در مواقعی که در ایران اشتغال داشت،اجازه‏ی‏ استفاده از اسناد را به دست آورده و در اثر مهم خود بسیار به آن‏ها استناد کرده است،اما شیوه‏ی ارجاع او به منابع وزارت خارجه برای‏ محققان راه‏گشا نیست.او به همین اکتفا کرد که این مطلب را از اسناد وزارت خارجه استخراج کرده،اما آدرس دقیق را به دست نداده‏ است.لاجرم مراجعه مجدد به اسناد مورد اشاره او اغلب ممکن‏ نیست.اما اقبال در مقالات خود به شماره‏ی کارتن‏ها و صندوق‏ها در آرشیو اشاره و تصریح می‏کند.

2-کتابخانه‏ی مجلس

در این کتابخانه دو مجموعه‏ی اصلی و تعدادی اسناد متفرقه از امیر کبیر وجود دارد:

1-مجموعه‏ی اول متشکل از 160 نامه‏ی امیر است که آن‏ها را دوستعلی خوان معیر الممالک گردآوری کرده و در آلبومی جداگانه‏ قرار داده است.

2-مجموعه دوم که عنوان«مکاتبات درباری»دارد و هم اکنون ذیل شماره‏ی 13334 در کتابخانه جای دارد،حاوی 286 نامه‏ی امیر و بیش‏تر آن‏ها مکاتبات روزانه‏ی امیر کبیر با ناصر الدین شاه است.شیوه‏ی امیر آن بود که هر روز پس از ورود به‏ در خانه‏[ دربار]و مشخص شدن کارهای روزانه،گزارشی از همان‏جا به شاه که در اندرون بود،می‏فرستاد و ضمن ارائه‏ی کارهای‏ انجام شده،تکالیف و وظایف شاه جوان را معیّن می‏کرد.متاسفانه‏ نامه‏های امیر کبیر تاریخ ندارد و منظم کردن آن‏ها برحسب روز مشکل و بلکه ناممکن است.اما مقدار اندکی از نامه‏های‏ ناصر الدین شاه به امیر تاریخ دارند و براساس آن می‏توان تاریخ تقریبی‏ برخی مکتوبات امیر را نیز به دست آورد.از محتوی این نامه‏ها هرچند همه‏ی آن‏ها به اختصار نوشته شده،می‏توان تاریخ درست‏ دوران سه ساله‏ی نخست پادشاهی ناصر الدین شاه را استخراج کرد و تصویری صحیح از آن زمانه ارائه داد.شاه در مدت صدارت امیر،ابدا راحت و آسوده نبود،هر روز برنامه و وظایف معیّن داشت و نمی‏توانست آن‏ها را انجام ندهد.در غیر این صورت مورد مواخذه‏ی‏ امیر قرار می‏گرفت.چند نامه در این مقوله وجود دارد که امیر،شاه‏ جوان را ازگرایش به عیاشی و تن‏پروری بر حضر داشته است.

3-کتابخانه‏ی مرکزی دانشگاه تهران

در این کتابخانه به جز چند برگ از اصول اسناد امیر کبیر خبری‏ نیست.اما چند دفتر از گردآورده‏های مرحومان عباس اقبال و دکتر قاسم‏ غنی به تملک این کتابخانه درآمده که اصل آن‏ها در وزارت خارجه و بیوتات سلطنتی و کتابخانه‏ی مجلس است.اما مادامی که اسناد بیوتات‏ و اسناد آرشیو وزارت خارجه انتشار نیافته به ناگزیر از این رونویس‏ها باید به عنوان سند اصل استفاده کرد.دفاتر مذکور به این شرحند:

1-دفتر اول حاوی 154 صفحه و ذیل شماره‏ی 5413 نگهداری‏ می‏گردد.

این دفتر به خط دکتر قاسم غنی‏ست و حاوی نامه‏های روزانه‏ی‏ امیر به ناصر الدین شاه است و غنی آن را از روی مجموعه‏ی موجود در کتابخوانه‏ی مجلس رونویسی کرده است.

2-دفتر دوم حاوی 560 صفحه و ساخته‏ی مرحوم اقبال است.در این دفتر جمعا 244 سند و نامه درج شده که حدود نیمی از آن به امیر تعلق دارد و اقبال آن‏ها را از میان اسناد وزارت خارجه برگزیده و استنساخ کرده است،اصل این مدارک هنوز هم در دسترس محققان‏ قرار نگرفته است.

3-دفتر سوم باز هم به خط عباس اقبال و حاوی مکاتیب امیر به‏ ناصر الدین شاه در دوران صدارت اوست و اقبال آن‏ها را در مجموعه‏ی‏ بیوتات سلطنتی یافته و استخراج کرده است.این مجموعه،ذیل‏ شماره‏ی 5411 این کتابخانه نگهداری می‏گردد.

4-اسناد موجود در آرشیو استانبول

اسناد ایران دوره‏ی قاجار در آرشیو عثمانی سابق اکنون در مرکزی‏ به نام«آرشیو دولتی استانبول»نگهداری می‏شود و در میان آن‏ها چند سند راجع به امیر کبیر موجود است.

بخشی از اسناد مذکور به همت دکتر محمد رضا نصیری در دو مجلد به نام مکاتبات سیاسی ایران و عثمانی به چاپ رسیده است.

5-اسناد وزارت خارجه‏ی انگلیس و روسیه

این اسناد شامل نامه‏های امیر به سفرای دول نام برده و پاسخ آنان‏ است.این گزارش‏ها اکنون در آرشیو وزارت خارجه‏ی دول مذکور نگهداری می‏شود و برخی از آن‏ها در اختیار و دسترس محققان قرار گرفته،اما انتشار عام در ایران نیافته است.دکتر فریدون آدمیت از اسناد وزارت‏خارجه‏ی انگلیس در تدوین کتاب خود بهره برده است.

6-داستان‏های تاریخی

حکایت و افسانه‏های تاریخی که درباره‏ی شخصیت‏ها در زمان‏ حیات و به خصوص پس از مرگ آنان رواج می‏گیرد در صورتی که‏ به درستی مورد تحلیل قرار گیرد،نیز در زمزمه‏ی اسناد تاریخی به شمار آید.اما استفاده از آن‏ها کار محقق و مورخ تیزبین و نکته‏یاب است که‏ از ورای آن‏ها به حقایق دست یابد.در باب میرزا تقی خان امیر کبیر، روحیه‏ی ملت خواهی و مردم دوستی او افسانه‏های فراوان رایج است‏ که برخی جنبه‏ی واقیت داشته و برخی ساخته‏ی مردمی‏ست که به او عشق می‏ورزیدند.

بعضی از این افسانه‏ها را،محمد حسن خان اعتماد السلطنه در صدر التواریخ و دیگران در آثار خود نقل کرده‏اند،اما کسی به نام شیخ امشایخ امیر معزی که از مشایخ گنابادی بود و سالیان متمادی ریاست‏ کتابخانه‏ی سلطنتی را در اواخر دوره‏ی قاجار و اوایل عصر پهلوی‏ داشت،تعداد زیادی از داستان‏ها را گردآوری کرد و کتابی به نام‏ نوادر الامیر تدوین کرد.نوادر الامیر را این بنده سالها پیش به‏ انضمام مجلد اول نامه‏های امیر کبیر به چاپ رسانده است.

حقیقتی که از ورای این افسانه‏ها به دست می‏آید،همان آرزوها و امیال توده‏ی مردم در رساندن ایران به کشوری متمدن و مترقی بوده‏ که برآوردن آن را فقط در عهده‏ی شخصیت توانای امیر کبیر دانسته و با قتل او آرزوهای خود را بر باد رفته،می‏دانستند.

7-گردآوری و چاپ اسناد امیر کبیر

این بنده از سالیان پیش به تشویق روان‏شاد دکتر عباس زریاب بر گردآوری و تدوین اسناد امیر کبیر روی آوردم.مرحوم دکتر زریاب، زمانی که در کتابخانه‏ی مجلس در حوالی سال‏های 1329.ش به کار پرداخته بود به آلبومی از اسناد امیر کبیر دست یافت که آن را دوستعلی خان معیر الممالک از نوادگان دختری ناصر الدین شاه‏ جمع‏آوری کرده و بر اوراق دفتر چسبانده بود.این آلبوم بعدها به‏ تملک کتابخانه‏ی مجلس درآمد و زریاب کپی همه‏ی صفحات آن را برای خود فراهم آورده بود.لیکن چون مجال انتشار آن‏ها را پیدا نکرد به ایراد یک سخنرانی در دانشگاه تهران اکتفا کرد و اصل آن اوراق را به من سپرد تا در فرصتی آن‏ها را تدوین و به طبع برسانم.مجموعه‏ی‏ مدارک اهدایی روان‏شاد زریاب که بیش از 300 نامه بود،دست‏مایه‏ی‏ مجلد اول کتابی شد که با نام نامه‏های امیر کبیر در حیات آن مرحوم‏ به چاپ رسید و مورد توجه آن دانشمند شادروان قرار گرفت.در مجلد مذکور به جز نامه‏های فوق مقداری از مکتوبات سیاسی امیر خطاب به‏ سفرا و وزرای خارجه دول خارجی و پاسخ آن‏ها به همراه رساله‏ی‏ نوادر الامیر شیخ المشایخ درج گردیده است.

پس از انتشار جلد اول نامه‏های امیر کبیر،نگارنده از کوشش باز نایستاد،هر جا مدرکی و نامه‏یی از امیر دیده شد یا نشانی از آن به دست‏ آمد با مراجعه به محل نگهداری،عکسی از آن‏ها را فراهم آورد.سپس‏ اطلاع حاصل شد که تعدادی از آلبوم‏های اسناد بیوتات سلطنتی در سال‏های دهه‏ی شصت از کتابخانه‏ی گلستان به سازمان اسناد ملی‏ ایران انتقال یافته است،لیکن چون موضوع مناقشه بین دو سازمان‏ دولتی واقع گردیدهبود از دسترس جویندگان و اهل تحقیق به دور مانده‏ با این وصف این‏جانب توفیق به دست آورد و بالطف خاص آقای دکتر شهرستانی،ریاست وقت سازمان به گنجینه‏ی مذکور دسترسی پیدا کرد.مدت شش،هفت ماه اکثر روزها به تورق در این دفاتر پرداخت که‏ تعداد آن‏ها بالغ بر 360 آلبوم بود.متاسفانه حاصل این تلاش چندان‏ امید بخش نبود.معهذا از میان آلبوم‏های شماره‏ی 122،170،263 و 241 اسناد بسیار مهمی‏به دست آمد که تا آن وقت کسی از وجود آن‏ها اطلاعی نداشت.

جز آن سازمان اسناد به مجموعه‏یی از مدارک و اسناد امیز کبیر در تبریز دست یافت و آن را برای شعبه خود در آن شهر خریداری کرد. این اسناد که اکنون میکروفیلم آن در مرکز سازمان موجود است، همگی متعلق به امیر کبیر و فرزند او میرزا احمد خان ساعد الملک دارد و ظاهرا نزد بازماندگان این فرزند در تبریز نگهداری می‏شده است.

از جمله‏ی اسناد مهم این مجموعه،نامه‏یی‏ست که‏ ناصر الدین شاه در سال 1300.ق خطاب به عضد الملک ایلخانی قاجار و نایب السلطنه بعدی نوشته و ضمن آن در خصوص نگهداری از بازماندگان امیر سقارش بلیغ و موکد صادر کرده است.

در زمره‏ی دفاتر مهم دیگر که در این جمله شناسانده شده، کتابچه‏یی‏ست مشتمل بر وضعیت پست،راه‏ها و شرح منازل بین‏ راه‏های کشور،این کتابچه به دستور امیر فراهم آمده بود تا اجزای این‏ سازمان در تسریع انتقال اشیای پستی توجه،دقت و سرعت بیش‏تر اعمال کنند.

جز این‏ها،تصاویر پاره‏یی اسناد که تا کنون مضمون آن‏ها مورد استفاده محققان و شرح حال نویسان امیر قرار گرفته،ولیکن به تصاویر آن‏ها دسترسی نبود در قسمت انتهای این مجلّد آورده شده است.

این بنده اکنون در حال گردآوری بقیه‏ی مکتوبات و اسناد مربوط به‏امیر است و به تعدادی دیگر در طی این دو سه سال دست یافته است‏ و امید دارد با دستیابی به همه‏ی اسناد و انتشار آن‏ها در مجلد سوم، مجموعه‏ی‏کاملی از اسناد،مکتوبات و اوراق مربوط به میرزا تقی‏خان‏ امیر کبیر را یک‏جا به دست علاقه‏مندان و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران عرضه و تقدیم دارد.

به یک تصویر

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

دیدمت میانِ رشته‏های آهنین:

دست بسته،

در میانِ شحنه‏ها.

در نگاهِ خویشتنـ

شطّی از نجابت و پیام داشتی.

آه!

وقتی از بلندِ اضطراب

تیشه را به ریشه میزدی،

قلبِ تو چه‏گونه می‏تپید؟

ای صفیرِ آن سپیده‏ی تو

خوش‏ترین سرودِ قرن!

شعرِ راستینِ روزگار!

وقتی از بلندِ اضطرابـ

مرگِ ناگزیر را نشانه می‏شدی،

وز صفیرِ آن سپیده‏دم جاودانه می‏شدی،

شاعرانِ سبکِ موریانه،جملگی،

با:«بنفشه رسته از زمین

به طرفِ جویبارها»،

با:«گسسته حور عینـ

ز زلفِ خویش تارها»،

در خیال خویش،جاودانه می‏شدند!

آن‏چه در تو بو،گر شهامت و جنون،

با صفیر آن سپیده،

خوش‏ترین چکامه‏های قرن را

سرود.